ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
شنبه • ۲۵ اسفند ۱۴۰۳
۱۴ رمضان ۱۴۴۶ • ۱۵ مارس ۲۰۲۵
شماره ۲۱۷۳۱
۲۹۵۰

گذری در اتاق‌های تودرتوی تاریخ

گزارش مختصری از بازدید خانه‌های توکلی و غفوری، ۲ خانه تاریخی و باارزش مشهد

علیرضا کاردار | روزنامه‌نگار

پرونده

ظهر یک روز زمستانی، خیلی ناگهانی به بازدید از بافت قدیم مشهد دعوت شدیم. یک دیدار صمیمانه ولی بسیار مفید. هدف دیدن خانه‌های تاریخی یعنی خانه توکلی و غفوری بود. البته که در مسیر بازدید به مکان‌های تاریخی دیگری هم سر زدیم و از دیدن این زیبایی‌های قدیمی در شهرمان به شدت به وجد آمدیم. قدم زدن در کوچه پس کوچه‌های اطراف حرم مطهر که سال‌ها و حتی قرن‌ها را پشت سر گذاشته‌اند و امروزه تبدیل شده‌اند به «بافت قدیمی» مشهد. کوچه‌هایی که پر است از خانه‌ها، دکان‌ها، مشاغل قدیمی، مهمان سراها، مسجدها و... و هر کدام داستان‌هایی دارند به قدمت یک محله و یک شهر و یک کشور. در این پرونده معرفی خلاصه‌ای داریم از دو خانه معروف توکلی و غفوری که انصافا دیدن‌شان بسیار باارزش است. برای این که خطایی در ارائه مطلب رخ ندهد، اطلاعات را از منابع معتبر مانند سایت شهرداری و... نقل می‌کنیم. توصیه ما به شما این است که اگر مشهدی هستید یا حتی نیستید، دیدن خانه‌های تاریخی شهر را از دست ندهید که تجربه‌ای است لذت‌بخش و ماندگار، چه برای آن‌هایی که سنی از شان گذشته و خاطره بازی می‌کنند، چه برای جوانان که به داشتن چنین تاریخی افتخار خواهند کرد.

خانه توکلی، خانه زیبای اجنه

قرار اولیه ما خانه توکلی بود. با کمک نقشه آنلاین و تابلوهای راهنما، پیدا کردنش آسان بود ولی رسیدن به آن نقطه در وسط روز و هفته، بسیار سخت. از آن سخت‌تر پیدا کردن جای پارک. به هر ترتیبی بود به خانه رسیدیم. خانه‌ای که از بیرون سرپا و نوساز، با معماری قدیمی دیده می‌شود و وقتی وارد می‌شوی متوجه می‌شوی که چند ده سال از عمرش گذشته است و مرتب بودنش به لطف بازسازی‌های دقیق است. این عمارت به سفارش آقای کشمشیان در دوره قاجار به سال ۱۲۲۱ شمسی توسط اسحاق خان قرایی احداث شده است. این خانه تا دوره پهلوی اول به عنوان محل سکونت آقای کشمشیان، یکی از تجار خشکبار معروف مشهد بوده است. بعد از فوت وی خانه توسط آقای فراحی و در حدود دهه ۶۰ توسط آقای توکلی خریداری می‌شود که تا دهه ۸۰ در این خانه سکونت داشته‌اند. در نهایت این خانه بین سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱ توسط شهرداری منطقه و شرکت عمران و مسکن سازان ثامن مرمت و بازسازی شده است. در حال حاضر مالکیت بنا در اختیار شرکت بازآفرینی شهری ایران است. شایعه‌های جالبی پشت سر این خانه است. نام معروف این بنا «خانه اجنه» است. بعد از رفتن آقای توکلی این خانه برای مدت طولانی متروکه می‌ماند و بی‌خانمان‌ها در خرابه‌های این خانه زندگی می‌کرده‌اند. سروصدای شبانه آن‌ها باعث ترس همسایه‌ها شده و این خانه متروکه تاریک را محل زندگی اجنه می‌نامند. البته که ما در این خانه جنی ندیدیم و متوجه شدیم برای معروف شدن، این لقب را به خانه داده‌اند!

همنشینی آجرهای تراش خورده و شیشه‌های رنگی

این سرا به کاشی کاری و آجرکاری‌های زیبایش معروف است. وارد دالان که می‌شوی، تیرهای چوبی سقف، کف آجری و دیوارهای ضخیم و محیط گرم نظرت را جلب می‌کند. عکس‌های قدیمی از مشهد و خانه و مراحل مرمت آن همه جا نصب شده است. خانه قبلا دارای دو جهت ساخت در جبهه شمالی و جنوبی بوده است که بخش خدمه در جبهه جنوبی تخریب شده است. در انتهای راهرو به اتاقی می‌رسیم که از پنجره‌هایش می‌توان حیاط را دید. اتاقی با شیشه‌های رنگی که علامت مشخصه خانه‌های دوست داشتنی تاریخی است. بعد از اتاق راهروی دیگری است که در آن صنایع دستی و وسایل تزیینی فروخته می‌شود. یادگاری‌هایی از یک خانه ماندگار برای گردشگران ذوق‌زده. وارد حیاط که می‌شوی و پا روی خشت‌های آن می‌گذاری، انگار وارد تونل زمان شده‌ای. به یاد خاطرات کودکی و خانه مادربزرگ، در قلب شهر ولی دور از هیاهو و در آرامش کامل، زیر سایه درختان بلند و کنار باغچه‌ها و حوضی پرآب. راه‌پله‌های دو طرف حیاط، دسترسی به اتاق‌های نشیمن در دو سمت اتاق سه دری هستند. در طبقه دوم، سه پنجره اتاق سه دری و دو در مجاورش، بازشوهای نشیمن‌ها هستند. از مهم‌ترین ویژگی‌های این بنا می‌توان به استفاده از کاشی‌های هفت‌رنگ قاجاری و آجرهای برشی برای ایجاد قاب‌های تزیینی در اطراف بازشوها اشاره کرد که در تمام قسمت‌های ساختمان؛ از ورودی گرفته تا نمای بیرون و حتی داخل بنا، به چشم می‌خورد. هم‌چنین استفاده از ستون‌های آجری در نمای ساختمان که به کتیبه‌ای در بالای آن ختم می‌شود جلوه‌ای خاص و زیبا به بنا داده است. فضاهای داخل خانه به وسیله اُرسی (گونه‌ای پنجره چوبی و مشبک کشویی که با بالا و پایین رفتن، باز و بسته می‌شود) از یکدیگر جدا شده‌اند. یکی دیگر از جاذبه‌های این خانه، حوضی کوچک آن در حیاط پایینی است که قدمتی تاریخی دارد و نظر بازدیدکننده‌ها را جلب می‌کند.

بازاری گرم در دل زمستان سرد

از دیدن این خانه نمی‌توان دل کند ولی هنوز باید به مکان‌های دیگر هم سر بزنیم. به ماشین‌ها دست نمی‌زنیم چون جای پارک در این منطقه مانند گنج باارزش است! پیاده راه می‌افتیم و در دل کوچه‌های تودرتوی اطراف حرم، به سمت ایستگاه بعدی می‌رویم. سر راه از مقابل مسجد مجلل ردمی‌شویم که بسته است ولی تکه‌سنگی با ردپایی منصوب به حضرت رضا(ع) از پشت شیشه در، توجه‌مان را جلب می‌کند. چند رهگذر وقتی داستان آن سنگ را از ما می‌شنوند، مشتاقانه به در خیره شده و اشک شوق در چشمان‌شان جمع می‌شود. هدف بعدی بازار عباس قلی خان و سرای عزیزا... اُف است. بازاری قدیمی که وقتی وارد می‌شوی، انگار در زمان سفر کرده‌ای. خوشبختانه به نسبت پاساژهای سطح شهر، اوضاع کاسبی این‌جا کمی بهتر است و مشتریان مشغول خرید هستند. مغازه‌هایی با شکل و شمایل قدیم ولی با اجناسی جدید. دوباره راه می‌افتیم تا به یک بنای نیمه تمام می‌رسیم که گویا زمانی قرار بوده پاتوق فرهنگی شود. پس از چند دقیقه سرانجام به خانه غفوری می‌رسیم. قبل از خانه کارگاه فرت‌بافی است، نوعی پارچه سنتی که از لحاظ نرمی و ظرافت دست کمی از ابریشم ندارد و تازه می‌فهمیم که یکی از محصولات قدیم خراسان است که مدتی از یاد رفته و دوباره در حال احیا شدن است. سرانجام به خانه غفوری می‌رسیم، بنایی که از بیرون مشخص نیست چه گنجی درون خود دارد و ولی باید وارد آن شد تا رودرروی تاریخ قرار گرفت.

خانه غفوری، یادگار دوران قاجار

از در خانه که وارد می‌شویم قدم به اعماق تاریخ می‌گذاریم. خانه غفوری در زمان قاجار بنا شده اما اطلاعات دقیقی از زمان ساخت آن موجود نیست. مساحت این خانه ۱۳۰۰ متر است که بنای اولیه توسط یکی از یهودیان مشهد ساخته شده و پس از آن آقایان چوبدار و رشتی‌باف به ترتیب مالکان این بنا بوده‌اند. به خاطر این که خانه هنگام ثبت به نام خانم غفوری، همسر آقای رشتی‌باف بوده به این نام مشهور شده است. در حال حاضر مالکیت بنا در اختیار شرکت بازآفرینی شهری ایران است. هنگام ورود به خانه وارد هشتی می‌شویم که با راه پله‌هایی با طبقه بالا ارتباط دارد. این راه بعدا ساخته شده است. در قسمت جنوبی خانه دو اتاق که به طرف کوچه بوده‌اند را مسدود کرده و به صورت مغازه درآورده‌اند، پشت مغازه‌ها یک اتاق دو دری وجود دارد و همچنین پلکان‌هایی که ارتباط با طبقه بالا را امکان‌پذیر می‌کنند. در بالای مغازه‌ها، اتاق سه دری و چند اتاق تودرتو قرار گرفته‌اند که برای حفظ امنیت بازدیدکنندگان این قسمت از خانه مسدود شده است. همچنین یک زیرزمینی وهم‌آور که ورود به آن هم ممنوع است. بعد از هشتی وارد حیاط می‌شویم که چند پله پایین‌تر از کف خیابان است. حیاطی که آدم را مدهوش خود می‌کند. باغچه‌های سرسبز با درختانی که دیدن‌شان آدم را به وجد می‌آورد.

کتابخانه تخصصی معماری

دور تا دور حیاط بناست و وسط آن یک حوض با صفا. در حیاط هم باغچه‌های متعدد و یک حوض بزرگ قرار داشته است که سال‌های بعد این حوض پر شده و در جای آن حوض کوچک دیگری ساخته‌اند. در طبقه اول نمای شمالی حیاط، حوضخانه‌ای قرار داشته که اکنون آن حوض هم پر شده است. در کنار آن فضا یک اتاق دیگر است که کاربری‌اش تغییر کرده است. مقابل در، پلکانی از داخل فضای کنار حوضخانه برای ارتباط بین طبقات است. در طبقه بالا روی حوضخانه هم اتاق پنج دری قرار دارد. این فضا اکنون تبدیل به کتابخانه تخصصی معماری به نام «خانه معماری» شده است تا پاتوقی باشد برای رفع گره‌های مرمت شهری و مرجعی باشد برای معماری بناهای مشهد. این کتابخانه هر روز میزبان علاقه‌مندان به کتاب و کتاب‌خوانی، به‌خصوص در حوزه معماری است. این مکان به جز داشتن کتاب‌های ارزشمند، به آتلیه و فضای اشتراکی برای معماران و دانشجویان مجهز است که مأموریت مستندنگاری معماری بافت تاریخی اطراف حرم را بر عهده دارد.

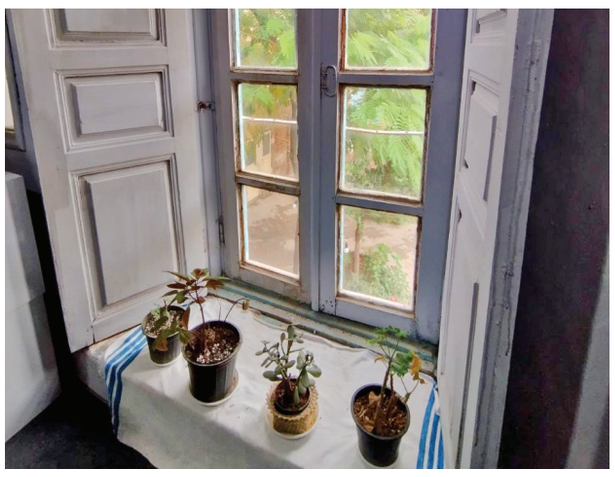

زنده شدن تاریخ در داخل خانه

به دلیل ثروتمند بودن صاحبخانه، بنا از همه لحاظ کامل بوده است. به گونه‌ای که در آن فضاهایی همچون کلفت‌نشین، نوکرنشین، درشکه خانه، اصطبل، مطبخ، حمام و فضاهای دیگری که در بقیه منازل مسکونی کمتر دیده می‌شود وجود داشته است. بخش اندرونی و اسطبل آن تخریب شده و بخش اعیانی در دو طبقه در شمال و جنوب باقی است. در سال ۱۳۴۵ خانه را به دو قسمت تقسیم کرده و قسمت خدمه، اصطبل و حمام را فروخته‌اند که هم اکنون تمامی آن‌ها از بین رفته‌اند. ولی قسمت اعیان نشین خانه باقی مانده است. این بنا از ابتدای ساخت تا سال ۱۳۶۰ به عنوان خانه مسکونی مورد استفاده قرار گرفته است و بعد از آن به مدت ۸ سال متروکه بوده است. این خانه تزیینات بسیار زیبایی از آجر و کاشی در نما دارد و داخل خانه هم گچ‌بری‌ها، طاقچه‌های داخل دیوار، پنجره‌ها، بخاری‌های دیواری، آینه‌کاری‌ها و سقف، هوش از سر بازدیدکنندگان می‌رباید. از پنجره طبقه بالا می‌توان حیاط را تماشا کرد و خود را در گذشته دید. زمانی که بچه‌های خانه در یک غروب زمستان، چراغ‌های نفتی را روشن کرده و زیر کرسی، به «اوسنه»های پدربزرگ گوش می‌دهند و مادربزرگ یک مشت آجیل درون دامن آن‌ها می‌ریزد. کارگرها خسته از کار روزانه مشغول استراحت هستند و آقای خانه زیر نور چراغ فتیله‌ای که از یک طرف خانه را روشن می‌کند و از یک طرف دیگر پنجره، به حیاط نور می‌اندازد، مشغول حساب و کتاب تجارت‌خانه‌اش است. خانم خانه هم آبگوشت بار گذاشته تا حسن ختامی باشد بر یک شب زمستانی در دل تاریخ.

قدر تاریخ را بدانیم

هر شهری با تاریخش زنده است. وقتی ما در مشهد چندین و چند خانه و بنا و مکان تاریخی داریم، کاش مسئولان هم و غم خود را برای حفظ و مرمت این مکان‌ها بگذارند که علاوه بر حفظ پیشینه شهر و مردمانش، باعث جذب گردشگر و البته درآمدزایی خواهد شد. از سوی دیگر، نگهداری از این ساختمان‌ها و بازسازی آن‌ها، باعث زیباسازی شهر شده و قطعا در روحیه زائران و مجاوران تاثیر زیادی خواهد گذشت. به امید آن که تک‌تک ما در کنار کارشناسان، فعالان حوزه شهری و البته مسئولان دولتی، قدر تاریخ خود را دانسته و در حفظ و ترویج آن کوشا باشیم و با تشکر از عزیزانی که زمینه این بازدید با ارزش را برای ما فراهم کردند.